



دریافت پیامبر از وحی کاملاً منطبق بر نظام هستی است

حجت الاسلام محلاتی گفت: دریافت پیامبر از وحی منطبق بر نظام هستی است. پیامبر همانگونه که نظام هستی را درک می‌کند وجود و کمال شایسته انسان را نیز درک کرده و وسیله رسیدن به آن را بیان می‌کند.

حجت الاسلام محلاتی گفت: دریافت پیامبر از وحی منطبق بر نظام هستی است. پیامبر همانگونه که نظام هستی را درک می‌کند وجود و کمال شایسته انسان را نیز درک کرده و وسیله رسیدن به آن را بیان می‌کند.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از پایگاه امام موسی صدر، چهلمین نشست از سلسله درس گفتارهای اندیشه و عمل با موضوع «امام موسی صدر؛ بعثت، رسالت»؛ عصر دوشنبه چهارم اردیبهشت ۱۳۹۶ با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین محمد سروش محلاتی، در محل موسسه برگزار شد. مشروح این سخنرانی را در ادامه می‌خوانید.

معنای «خواندن»؛ در آیات آغازین سوره علق از نگاه مفسران

در آثار امام موسی صدر مطالب مختلفی درباره موضوع بعثت و رسالت یافت می‌شود؛ اما یکی از نکاتی که برای بنده جالب و تازه بود تفسیری است که امام صدر از موضوع بعثت و آغاز وحی ارائه کردند. این بحث در زمره تفسیر سوره مبارکه علق از سوی ایشان مطرح شده است.

شیعه و سنی معمولاً بر این باور هستند که بعثت رسول الله و آغاز وحی با پنج آیه نخستین سوره علق آغاز شده و مفسران اعتقاد دارند مابقی آیات این سوره در زمره آغاز وحی نیست. درباره این پنج آیه مباحث مختلف و فراوانی مطرح شده، اما مهمترین نکته در این میان این است که وحی به پیغمبر اکرم با یک دستور و فرمان آغاز شده و آن دستور به قرائت است. این دستور به چه معناست؟ و معنای این خواندن چیست؟ و پیامبر موظف شده که چه چیزی را بخواند؟ در این آیات به جز تعبیر «اقرا»؛ که ۲ بار تکرار شده، مفسران نسبت به بقیه مفاهیم آیات نگاه روشن و واضحی دارند.

آیت الله طالقانی در تفسیر «اقرا»؛ پرتوی از قرآن؛ سوالاتی را در این زمینه مطرح کرده؛ و بر مبنای آن اشاره کرده؛ است که مفهوم خواندن برای ما روشن است. زمانی که انسان با متنی مواجه پیدا کرده و آن متن را درک می‌کند، در این حالت آن متن را خوانده است چه آن را به زبان بیاورد چه به زبان نیاورد، اما در آیات آغازین سوره علق مشکل این است که این خواندن در آغاز وحی برای پیامبر چه معنایی پیدا می‌کند؟ آیا متنی را به پیامبر نشان دادند و به ایشان تکلیف به خواندن کردند؟ اگر متن نبود، خواندن چه معنایی پیدا می‌کند؟ اگر بوده کدام متن بوده و آیا مقصود همین قرآن است؟ یا متن دیگری به جز قرآن وجود داشته است؟ آیت الله طالقانی می‌گوید که ما پاسخ روشنی برای اینگونه سوالات نداریم و خود آیه نیز توضیحی به ما ارائه نمی‌کند.

نگاه ویژه شاگردان علامه طباطبائی به تفسیر

می‌دانیم که امام موسی صدر در زمره شاگردان علامه طباطبائی بود. علامه در شاگردان خود اعتنای به قرآن و مباحث تفسیری را نهادینه کردند و عموم شاگردان؛ شان از جمله امام صدر، شهید مطهری، شهید بهشتی، مرحوم موسوی اردبیلی در کنار دیگر کارها و فعالیت‌های خود اهتمام ویژه به مباحث تفسیری داشته و به ویژه به تفسیر سوره علق پرداخته‌اند.

تفسیر امام موسی صدر و دیگر شاگردان علامه از سوره علق با بحث و بررسی در معنا و مفهوم «قرا»؛ آغاز می‌شود. قرائت به معنای خواندن، نکاتی را در خود نهفته دارد و از نظر مفهوم شناسی باید روی آن تأکید شود. قرائت با «گفتن»؛ تفاوت دارد. ویژگی «خواندن»؛ در این است که متوجه یک متن است و کسی که می‌خواند در اصل دارد یک متن را بازگو می‌کند و در واقع سعی در فهم آن دارد. این تأمل و توجه در اصل کلمه خواندن در عموم آثار تفسیری وجود دارد. در مرحله بعد کسی که می‌خواند، اقتضای خواندن در خواندن متن این است که متن مشتمل بر الفاظ و مفاهیمی باشد که انسان در خواندن به آن مراجعه می‌کند.

در مواجهه فرشته وحی به پیغمبر آیا مقوله خواندن متوجه یک متن بیرونی بود یا اینکه متن بر درون و قلب پیغمبر نازل

شد؟ آنچه بزرگان تاکنون مطرح کرده‌اند این است که قرآن به پیامبر القا شد و در ادامه از ایشان خواسته شد تا این قرآن را تلقی کند. تعبیر علامه طباطبایی نیز که در تفسیر المیزان آمده بر «تلقی وحی»؛ در لسان پیغمبر است.

علامه می‌گوید که تلقی و دریافت وحی به این صورت است که کائنه متنی از قرآن ثبت شده و در اختیار پیغمبر قرار گرفته و از ایشان خواسته شده که متن را بخواند و دریافت کند و در نهایت بفهمد که در آن چه حقیقتی نهفته است؟ در اینکه چه متنی به پیامبر ارائه شده بود، امام صدر یک توضیح دارند که مبتنی بر توسعه و تعمیم مفاهیم است. وی مانند دیگر مفسران به این نکته قائل است که مقوله خواندن از روی متن صورت می‌گیرد، اما نکته بدیع این است که متن به دو گونه تقسیم می‌شود: نخست متنی که نوشتار، الفاظ و کلمات دارد و متن دیگر فاقد این لوازم است. امام صدر نمی‌پذیرد که یک متن حتماً باید به صورت نوشتار باشد. امام چون این توسعه را درباره متن قائل شده توسعه‌ای را نیز در مفهوم قرائت می‌دهد و بر این اساس به تفسیر جدیدی در وحی می‌رسد.

مفهوم وحی از نظر امام صدر

سوال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود «چیزی وحی» است. باور رایج در این است که وحی یکسری از مفاهیمی است که از سوی فرشته به پیامبر القا می‌شود، یا ممکن است هر شخصی بر اساس مراتب خود دریافتی از وحی پیدا کند. این برداشت‌ها بر اساس این است که ما قرائت را در ارتباط با الفاظ بدانیم، اما اگر در قرائت و متن توسعه بدهیم آنگاه مفهوم خواندن دچار تغییر می‌شود. تغییر و توسعه امام صدر در این مفاهیم اینگونه است که پیامبر به واسطه لطف الهی درک جدیدی از هستی پیدا کرده و واقعیت حقیقی را دریافت می‌کند. حال خداوند از پیغمبر می‌خواهد که چون به مقام قرائت رسیدی، نگاه جدیدی به عالم بیفکن و با این نگاه جدید بخوان و ببین که در هستی چه می‌گذرد؟

متن از کلمه تشکیل می‌شود و «کلمه» در قرآن ریشه دارد. در آیه «ای از قرآن درج شده که اگر تمام دریاها مرکب شوند، نمی‌توانند کلمات الهی و وحی را به طور کامل ثبت کنند. بنابراین کلمه‌ها بشمارند و این آیه به گسترش هستی اشاره دارد. خداوند به پیامبر می‌فرماید که «بخوان»؛ پیامبر در جواب می‌گوید که «چه بخوانم؟» و پاسخ می‌شود که «بخوان کلمات هستی را که همه جا را فرا گرفته و در نهایت آنها را درک کن.» بنابراین وحی اساساً چیزی جز مواجهه با حقیقت کلمات هستی نیست.

حقیقت وحی قرائت و خواندن است و این «اقرا»؛ از غار حرا آغاز شده و تا پایان زندگی پیامبر ادامه می‌یابد. در زبان عربی قرائت معنای وسیع‌تری از خواندن خط دارد. معنای قرائت در قرآن مانند دیگر مفاهیم وسیع است. بنابراین قرائت به معنای خواندن حروف نیست، بلکه به معنای خواندن کتاب هستی به کار می‌رود. این معنا از تفکر اسلامی دور نیست، زیرا که قرآن تأکید دارد که دین اسلام دین فطرت است.

همچنین شرط قرائت آن است که متن پیشتر مکتوب شده باشد. در دیدگاه امام صدر «اقرا»؛ و قرائت متعلق به کتاب تکوین است و وحی ارتباط برقرار کردن برای دریافت حقیقت سراسر هستی است. تعبیر امام این است که مقوله خواندن به معنای خواندن کتاب هستی است و نه قرآن. البته فراموش نکنیم که کتاب هستی با قرآن هم انطباق پیدا می‌کند. بر این مبنا دریافت پیامبر از وحی کاملاً منطبق بر نظام هستی است. پیامبر همانگونه که نظام هستی را درک می‌کند وجود و کمال شایسته انسان را نیز درک کرده و وسیله رسیدن به آن را بیان می‌کند. شریعت راه رسیدن به کمال است و پیامبر چون این نظام را شناخته، به انسان‌ها می‌گوید که نقطه کمال کجاست؟ بنابراین درک واقعیت از تکوین درک پیامبر از شریعت را می‌رساند.

به تعبیر امام صدر حقیقت این است که در قرآن تعبیری که از شریعت الهی به کار رفته بر خلق انسان مقدم است. شریعت در اصل حقیقت پیوند انسان با هستی است. خداوند مخلوقات خود را می‌شناسد و حقیقت آنها را می‌داند. امام دو تفسیر از شریعت را مطرح می‌کند. در تفسیر نخست شریعت دستوراتی است که انسان باید به آن عمل کند و در تفسیر دوم شریعت متنی است که از وجود و حقیقت انسان می‌رسد. بنابراین به تعبیر امام صدر راه و روش شریعت تصادفی نیست، بلکه به کل مطابق با حقیقت انسان است، چرا که شارع دین و خالق هستی یکی است و میان واقعیت هستی با حقیقت تکوین ارتباط برقرار است.